

# پرورش\*

شماره ۱۸ (سال اول) صفحه ۱

عنوان مراسلات: مجله (پرورش) صندوق المدارس قم - ۳۹ Mirza Aly Molanoush Khan Darvarzi la suite speciale N° 189 Cairo - (Kasr) (این روزگانه از دست رفته یکروز روز موعده طبع میشود)

(روز دوشنبه ۲۸ شهر جماد الثانیة ۱۳۱۸ هجری مطابق ۲۲ شهر اکتوبر ۱۹۰۰ مسمی)

سال اول - شماره اول  
 دهم صفر المظفر ۱۳۱۸  
 هجری قمری  
 ۱۹۰۰ میلادی

## عَرَفْتُ اللَّهَ بِفَسْخِ الْعَزَائِمِ

احسن اشغال، از خلق انفصال، و گوشه گزیدن و از صحبت این و آن دامن برچیدن است که نه در دوستان مروت، و نه در دشمنان فتوت مانده. اینان پوستین و آنان جان شیرین بر کنند. بهتر که طاووس چتر نبندد و کبک دری نخندد، بلبل نخواند و طوطی سخن نراند که در انظار ما نیکویی‌ها، زشت و زیبایی‌ها، ناشایست گردید. هنرمندخوا، و هواخواهی آنها عار شد.

یاموت زر ان الحیة ذمیمة و یا نفس جدی ان دهرک حائل

\* لازم به یاد آوری است که میرزا علی محمد خان کاشانی موسس و مدیر مسئول جریده‌ی پرورش، پیش از آن روزنامه ثریا را در مصر پایه گذاری کرده بود و نزدیک دو سال نیز آنرا منتشر می‌ساخت ولی پس از مدتی با شریک مالی خود در آن روزنامه که سید فرج‌الله کاشانی نام داشت اختلاف پیدا کرده و بالاخره جریده ثریا را با خاطری تلخ به او واگذار نمود و قصد کناره‌گیری کامل از کار مطبوعاتی داشت که در اثر اصرار دیگران اقدام به راه‌اندازی جریده پرورش نمود. مطالب مندرج در این سر مقاله

اشاره به این قضایا دارد. یاد



با خدای خویش میثاق، و با عقل خویش اتفاق کرده بودم که پس از نگارش چریده ثریا که رنجها در آرایش کشیدم و به نازش پروریدم، شبها نخفتم و در او از وطن سخن گفتم؛ بکنجی تازم و به شغل مطبوعات پردازم که نتایج آن همه سوز و گداز و فواید بی‌خوابی‌های شبهای دراز، و ائمار حقیقت‌نگاری و آثار خدمتگذاری، نیکو ظاهر و هویدا، و واضح و آشکارا گردید. تن علیل و دوست قلیل، دشمن بی‌شمار و حسود بسیار شد، لکن بشارت طهران، و اشارات تبریز همی مجبورم دارد که نقض میثاق و ترک اتفاق کنم و هر چه به واسطه تلگراف درخواست کرده و ملتمس شدیم که از روی عدل و انصاف ما را از این شغل خطیر معاف دارند که قاتل شاه فر او و دشمن طاوس پر اوست، نپذیرفتند.

عجالنا متوکلا علی الله به نگارش این نامه نامی قلم رنجه کردم و نام وی پرورش گذاشتم اگر چه گمان نمی‌کنم که با این حالت افسرده، و خاطر پژمرده چیزی توانم نگاشت و تخمی که بروید توانم کاشت. ■

